

امام خمینی (رحمه الله علیه)

پیامبر نور هدایت بود

پیغمبر اسلام همان طوری که برای مومنین رحمت و دلسوز بود، برای کفار هم بود دلسوز بود برای کفار یعنی متاثر می شد که این کفار به کفر خودشان باقی باشند و منتهی به آتش جهنم بشوند. برای آن ها دلسوزی می کرد. دعوتش برای این بود که نجات بدهد این اشخاص کافر را، آن اشخاص عاصی را. خدای تبارک و تعالی خطاب می فرماید که: مثل این که خودت را می خواهی بکشی برای این ها که این ها ایمان نیاورده اند. همچو متاثر بود که این ها چرا ایمان نمی آورند، این ها چرا نجات پیدا نمی کنند. وقتی یک دسته ای را در یک جنگی - در تاریخ هست که - بسته بودند آن ها را و می آوردند از کفار، می فرمود که ما این ها را باید با زنجیر وارد بهشت کنیم. حالا باید این طور بیاوریم و هدایتشان بکنیم. نور هدایت بود. همان طوری که با مومنین سر صلح و صفا داشت، با دیگران هم داشت، مگر آن هایی که یک غده سرطانی بودند که باید کشته بشوند، از جامعه باید کنار بروند.

مقام معظم رهبری

پیامبر قبل از بعثت ساخته و پرداخته شد

تا کسی خود دارای برترین مکارم اخلاق نباشد، خداوند متعال این مأموریت عظیم و خطیر [رسالت] را به او نخواهد داد؛ لذا در اوائل بعثت، خداوند متعال خطاب به پیغمبر می فرماید: «انک لعلی خلق عظیم» ساخته و پرداخته شدن پیغمبر، تا ظرفی شود که خدای متعال آن ظرف را مناسب وحی خود بداند، مربوط به قبل از بعثت است؛ لذا وارد شده است که پیغمبر اکرم که در جوانی به تجارت اشتغال داشتند و درآمدهای هنگفتی از طریق تجارت به دست آورده بودند، همه را در راه خدا صدقه دادند؛ بین مستمندان تقسیم کردند...

در روایت است که: «کان اعقل الناس و اکرمهم»؛ پیامبر قبل از بعثت، با مشاهده آیات الهی، روزبه روز پُربارتر می شد، تا به چهل سالگی رسید. «...دل او در چهل سالگی نورانی ترین دل ها، خاشع ترین دل ها، پُر ظرفیت ترین دل ها برای دریافت پیام الهی بود. ...وقتی به این مرحله از معنویت و روحانیت و نورانیت و اوج کمال رسید، آن وقت خدای متعال درهای آسمان و درهای عوالم غیبی را به روی او باز کرد؛ چشم او را به عوالم معنوی و عوالم غیبی گشود. «...او فرشتگان را می دید، با او سخن می گفتند؛ کلام آنها را می شنید، تا این که جبرئیل امین بر او نازل شد و گفت: «اقرأ».

بیدار کردن مردم، بیدار کردن دنیا، بیدار کردن بشریت، کار بزرگ پیامبر اکرم و دعوت نبوی بود.

شما درباره امیرالمؤمنین مطالب زیادی شنیده اید؛ همین قدر کافی است عرض شود که هنر بزرگ امیرالمؤمنین این بود که شاگرد و دنباله رو پیامبر بود.

استاد شهید مرتضی مطهری

نرمی در عین صلابت

در مسائل فردی و شخصی و آن چه مربوط به شخص خودش بود، نرم و ملایم و با گذشت بود؛ گذشت های بزرگ و تاریخی اش یکی از علل پیشرفتش بود؛ اما در مسائل اصولی و عمومی، آن جا که حریم قانون بود، سختی و صلابت نشان می داد و دیگر جای گذشت نمی دانست. پس از فتح مکه و پیروزی بر قریش، تمام بدی هایی که قریش در طول بیست سال نسبت به خود او مرتکب شده بودند نادیده گرفت و همه را یک جا بخشید؛ توبه قاتل عمومی محبوس حمزه را پذیرفت. اما در همان فتح مکه، زنی از بنی مخزوم مرتکب سرقت شده بود و جرمش محرز گردید. خاندان آن زن که از اشراف قریش بودند و اجرای حد را توهینی به خود تلقی می کردند، سخت به تکلیف افتادند که رسول خدا از اجرای حد صرف نظر کند. بعضی از محترمین صحابه را به شفاعت برانگیختند، ولی رنگ رسول خدا از خشم پرافرخته شد و گفت: چه جای شفاعت است؟! مگر قانون خدا را می توان به خاطر افراد تعطیل کرد؟

هنگام عصر آن روز در میان جمع سخنرانی کرد و گفت: «اقوام و ملل پیشین از آن جهت سقوط کردند و منقرض شدند که در اجرای قانون خدا تبعیض می کردند؛ هرگاه یکی از اقویا و زبردستان مرتکب جرم می شد معاف می شد و اگر ضعیف و زیردستی مرتکب می شد مجازات می گشت. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، در اجرای عدل درباره هیچ کس سستی نمی کنم، هرچند نزدیک ترین خویشاوندان خودم باشد»

آیت الله مصباح یزدی

محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله چیست؟

برای کسی که در پی آن است که از پیامبر پند گیرد و ایشان را اسوه خود برگزیده است، بهتر است که بنگرد، سیر و سلوک و رفتار پیامبر چگونه است؛ لذا پیامبر خود را به عنوان اسوه عملی معرفی می کند و این بهترین شیوه تربیتی است، برای کسانی که عاشق و دوستار پیامبرند و می خواهند قدم در راه او بگذارند.

پیامبر می فرمایند: نماز مایه روشنی چشم من است. این تعبیر بهترین تعبیری است که انسان نسبت به محبوب خود و کسی که خیلی دوستش دارد، به کار می برد چون ما نمی توانیم این نکته را درک کنیم ایشان با بیانی شیرین به توضیح آن می پردازند تا برای ما قابل فهم گردد. ما نیاز به خوردن و آشامیدن داریم و اگر تا مدتی غذا نخوریم، سخت گرسنه می شویم و مطلوب ترین چیز برایمان غذاست و همین طور وقتی تشنه می شویم خیلی به آب علاقه مند می گردیم و هیچ چیز را به اندازه قدری آب خنک دوست نمی داریم. پیامبر می فرماید: «خداوند عزوجل نماز را نور دیده من قرار داده است و آن را چنان محبوب من ساخته که گرسنه، غذا را و تشنه، آب را دوست می دارد با این تفاوت که گرسنه وقتی غذا می خورد سیر می شود و تشنه وقتی آب می نوشد سیراب می گردد؛ ولی من هرگز از نماز سیر نمی شوم»

